



**بررسی فقهی - حقوقی و اقتصادی
اسناد خزانه اسلامی**

سیدمجید مؤمنی*

چکیده

معرفی ابزارهای نوین مالی مبتنی بر مبانی شرعی، یکی از نیازهای مهم کشور ج.ا.ایران است. اوراق بهادار اسلامی از پایه با اوراق بهادار ربوی متفاوت است و براساس آن می‌توان ابزارهای نوینی، مبتنی بر مبانی شرع طراحی کرد. بیع دین (بدهی) بنا به قول مشهور فقهای معاصر امامیه مجاز بوده و اسناد خزانه اسلامی به‌عنوان ابزار مالی مبتنی بر بیع دین معرفی شده است. مجوز صدور اسناد خزانه اسلامی اوراق کوتاه‌مدت بدهی براساس دین واقعی دولت به طلبکاران غیردولتی داده شده است.

در این مقاله با اشاره مختصری به مبانی شرعی اوراق بهادار، اسناد خزانه اسلامی مورد توجه قرار گیرد و با توجه به اینکه این اوراق بر مبنای خرید دین است، مسائل و مشکلات خرید دین بررسی شود. سپس نحوه افزایش کارایی ابزار اسناد خزانه اسلامی بر مبنای خرید دین از جایگاه

فقهی حقوقی بررسی شود. در ادامه بررسی می‌شود که وزارتخانه‌ها دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت (به معنای خاص قوه مجریه) نیستند، لیکن مؤسسه‌های دولتی، مؤسسه‌ها یا نهاد عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی طبق قانون، دارای شخصیت حقوقی مستقل‌اند. بر این اساس، بدهی دولت به اشخاص حقوقی مستقل می‌تواند مبنای انتشار اسناد خزانه اسلامی قرار گیرد و در این زمینه بانک مرکزی با اعمال عملیات بازار باز می‌تواند نقش مؤثری را در بازار پول به‌جای آورد و در صورت صدور مجوز، اسناد خزانه اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کارا در بازار ثانویه توسط بانک مرکزی مورد معامله قرار گیرند.

کلمات کلیدی: تنزیل، بیع دین، اسناد خزانه اسلامی، شخصیت حقوقی، مالکیت.

مقدمه

اسناد خزانه اسلامی اوراق بهاداری است که بر مبنای فروش دین واقعی دولت منتشر می‌شود. سررسید این اوراق کوتاه‌مدت و با حفظ قدرت خرید بدهی معوق گذشته به ذی‌نفع ارائه می‌شود و قابلیت نقد شدن در بازار ثانویه را خواهد داشت. مبنای شرعی این اوراق بیع دین است.

اسناد خزانه مرسوم که از ابزارهای مهم تأمین مالی است، به دلیل ربوی بودن، قابل استفاده در کشور ما نیست و تاکنون مطالعات انجام شده درباره اوراق بهادار اسلامی با تمرکز بر عقود مانند مشارکت (اوراق مشارکت)، اجاره، مرابحه و استصناع بوده است و اوراق مشارکت در زمینه ایجاد بازارهای ثانویه که از ابزارهای مهم سیاست‌گذاری پولی است، موفق نبوده است. از این رو معرفی ابزار جدید منطبق با شرع و با قابلیت مبادله در بازارهای ثانویه گریزناپذیر است.

نخستین بار قضاوی و بازمحمدی (۱۳۹۰) طی مقاله "عملیات بازار باز در چارچوب بانکداری بدون ربا" اسناد خزانه اسلامی را مطرح کردند و سیدعباس موسویان و همکاران در دو مقاله با عنوان "امکان‌سنجی فقهی طراحی اسناد خزانه اسلامی در بازارهای مالی اسلامی" (۱۳۹۰) و "مهندسی مالی اسناد خزانه اسلامی" (۱۳۹۱) به جنبه‌های نظری و کاربردی موضوع پرداخته‌اند. مقاله پیش‌رو با تشریح مبانی فقهی، حقوقی موضوع در پی آن است که محدودیت‌های قانونی انتشار این اسناد را بررسی و پیشنهادهایی برای افزایش کارایی این اوراق ارائه کند.

دو فرضیه اصلی موضوع این تحقیق عبارت است از:

اول- بانک مرکزی یک شخصیت حقوقی مستقل است و می‌تواند در بازار اولیه و ثانویه خرید و فروش اسناد خزانه اسلامی حضور داشته باشد و موجب کارایی این اوراق می‌شود.

دوم- فراگیری فروش اسناد خزانه اسلامی (بر مبنای فروش بدهی واقعی دولت) به بانکها، مؤسسات و شرکتهای دولتی که از نظر حقوقی شخصیت مستقل هستند می تواند بدون اشکال باشد.

روش تحقیق این مقاله براساس روش توصیفی- تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است.

در این مقاله در ابتدا انواع اسناد خزانه مرسوم معرفی و ضمن ارائه آمار از حجم گردش مالی این اسناد، به بررسی شرایط اوراق بهادار اسلامی در مقایسه با اوراق ربوی پرداخته می‌شود. سپس موضوع تأمین مالی دولت از طریق ایجاد بدهی بررسی و موضوع خرید و فروش دین از منظر فقهی و نظرات مختلف درباره آن مطرح و بررسی می‌شود. در ادامه ماهیت اسناد خزانه اسلامی، شرایط استفاده از آن و کاربرد آن در عملیات بازار باز مطرح شده و با توجه به تصویب استفاده از این اسناد در قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ به محدودیت‌هایی که در این قانون برای بانک مرکزی ایجاد شده است، مبانی حقوقی مربوطه بررسی و براساس آن فروض تحقیق ارزیابی می‌شود. هدف از تحقیق آن است که ضمن معرفی کاربرد اقتصادی اسناد خزانه اسلامی با تمرکز بر جنبه‌های فقهی حقوقی آن، محدودیت‌هایی که برای این اسناد در قانون بودجه مطرح است را مورد بحث قرار گیرد، تا با گسترش کاربرد این اسناد، امکان استفاده از مزایای بازارهای ثانویه و مبادله توسط سازمان‌های مهم اقتصادی و مستقل و حتی دولتی مانند بانک‌های دولتی و بانک مرکزی فراهم شود.

۱- ادبیات تحقیق

سیر تکاملی این ابزار به‌طور اختصار به شرح زیر است:

آیت‌الله محمدعلی تسخیری در سال ۱۳۸۷ در مقاله‌ای با عنوان مبانی شرعی اوراق بهادار اسلامی (صکوک)، مشخصات اوراق بهادار اسلامی را در مقایسه با اوراق ربوی را از نظر محتوی و ماهیت حقوقی آن‌ها بررسی کرده است و با معیارهای

مالکیت دارایی واقعی، مشارکت در فعالیت‌های واقعی، بازدهی اوراق و تضمین اصل سرمایه مورد بحث قرار داده‌اند و سرانجام نتیجه‌گیری کرده‌اند که با بهره‌گیری از عقود اسلامی می‌توان انواع گوناگون از اوراق بهادار اسلامی (صکوک) متناسب با اهداف و سلیقه‌های سرمایه‌گذاران و کنشگران اقتصادی طراحی کرد. گرچه عملکرد ظاهری برخی اوراق بهادار اسلامی، شباهت‌هایی به برخی اوراق بهادار ربوی دارند، لیکن توجه به ماهیت حقوقی آن‌ها نشان می‌دهد که بین آن‌ها تفاوت‌های اساسی و بنیادی وجود دارد. اوراق بهادار اسلامی را می‌توان در گروه‌های سه‌گانه مبتنی بر خرید و فروش دین، مبتنی بر خرید و فروش دارایی‌های فیزیکی و مبتنی بر عقود مشارکتی طبقه‌بندی کرد که از نظر فقهی درباره گروه نخست محل اختلاف است، لیکن گروه‌های دوم و سوم مورد وفاق فقیهان شیعه و اهل سنت است.

احمد شعبانی - وهاب قلیچ (۱۳۹۰) با این پرسش که آیا اوراق بهادار اسلامی در کاهش زمینه‌های تورم در ایران کاربرد دارد یا خیر؟ در مقاله خود می‌کوشند پس از تبیین عوامل پدیدآورنده تورم در ایران، طی چند دهه اخیر به نقش اوراق بهادار اسلامی بپردازند. ایشان به نقش چهار اوراق بهادار اسلامی شامل: مشارکت، اجاره مرابحه و استصناع در کاهش نرخ تورم پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که اوراق پیش گفته قادر هستند بر کاهش تورم پولی، تورم ناشی از فشار هزینه تورم ناشی از فشار بخش واقعی اقتصاد و تا حدی در کاهش تورم صادراتی اثرگذار باشد.

سیده‌ادی عربی - محسن معارفی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان بررسی مسائل گذار به ابزار غیرمستقیم پولی در کشورهای اسلامی (بررسی فقهی و اقتصادی) نسبت به بررسی و تشریح عملیات بازار باز (با امکان فعالیت بانک مرکزی در بازار ثانویه) و شبه بازار باز (فعالیت بانک مرکزی در بازار اولیه به‌دلیل عدم توسعه بازارهای ثانویه) پرداخته‌اند و راهکارهایی را برای انتشار اوراق عملیات بازار باز منطبق با شرع، به‌جای اوراق مرسوم ربوی شامل: الف - انتشار اوراق براساس عقد

جعاله ب- انتشار اوراق براساس عقد قرض الحسنه ج- انتشار اوراق براساس خرید و فروش اوراق اعتباری با اسکناس را پیشنهاد کرده‌اند.

حسین قضاوی- حسین بازمحمدی (۱۳۹۰) طی گزارش پژوهشی با عنوان "عملیات بازار باز در چارچوب بانکداری بدون ربا" "مطالعه موردی: اسناد خزانه اسلامی" با تشریح ابزارهای بانکهای مرکزی برای مداخله غیرمستقیم در بازار پول در نظامهای بانکی مرسوم، سه ابزار، نسبت سپرده قانونی، نرخ تنزیل و عملیات بازار باز بر روی اسناد خزانه یا اوراق قرضه دولتی را بیان کرده‌اند. سپس ضمن معرفی ابزارهای مالی رایج به نیاز طراحی ابزارهای مالی مبتنی بر بازار در نظام اسلامی پرداخته‌اند و نسبت به معرفی ابزارهای مالی مبتنی بر بدهی به صورت عام و ابزار اوراق خزانه اسلامی به طور خاص بر مبنای خرید بدهی (دین) دولت و بخشی از احکام فقهی مرتبط، اقدام کرده‌اند.

سیدعباس موسویان؛ محمدنقی نظریور؛ ایوب خزائی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان "امکان سنجی فقهی طراحی اسناد خزانه اسلامی در بازارهای مالی اسلامی" با بیان چگونگی محدودیت‌های به کارگیری اسناد خزانه متعارف در بانکداری اسلامی با بیان موفق نبودن انتشار آنها در دهه‌های بیست و چهل شمسی در ایران نسبت به چگونگی امکان شکل‌گیری اوراق خزانه در چارچوب عملیات بانکداری بدون ربا پرداخته‌اند. ایشان با تشریح دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی درباره خرید دین با تفکیک بیع دین به مدیون و غیرمدیون؛ انواع اسناد خزانه پیشنهادی توسط آقایان قضاوی و بازمحمدی را از نظر فقهی بررسی کرده‌اند.

مجید خادم‌الحسینی و سیدعباس موسویان در مهندسی مالی اسناد خزانه اسلامی ۱۳۹۱. ضمن تشریح اسناد خزانه مرسوم و سابقه اسناد خزانه در گذشته در ایران به موضوع کسری بودجه دولت از نگاه بدهی پرداخته‌اند. در ابتدا به دسته‌بندی انواع نیازهای مالی دولت به‌هنگام رویارویی با کسری بودجه با توجه به دو بعد زمان و ماهیت اقدام کرده‌اند، سرانجام به طراحی سه الگوی مالی عملیاتی اسناد خزانه براساس

بازه‌های زمانی گوناگون و نیز ماهیت کسری بودجه برای خرید کالا، خرید خدمات و تأمین وجوه نقد، مبادرت کرده‌اند.

۲- اوراق بهادار

اوراق بهادار به اوراقی گفته می‌شود که دارای ارزش مالی مبتنی بر قرارداد^۱ هستند. اوراقی که براساس یک قرارداد مشخص و به پشتوانه ضمانت اشخاص مشخص (حقیقی یا حقوقی) ارزش پیدا می‌کنند، به‌عنوان اوراق بهادار شناخته می‌شوند. (فتح‌اله تار، ص ۵۸)

۲-۱- معرفی اسناد خزانه

در زمان جنگ جهانی اول، دولت‌ها با کسری بودجه روبه‌رو شدند و دولت آمریکا نیز می‌دانست که هزینه‌های جنگ بالا خواهد بود. تصمیم نهایی برای تأمین هزینه‌های جنگ از دو راه افزایش مالیات‌ها و افزایش بدهی دولت صورت می‌گرفت. معمولاً دولت‌ها از سایر کشورها قرض می‌گیرند. لیکن در سال ۱۹۱۷ کشوری برای قرض گرفتن وجود نداشت. از این‌رو شهروندان مجبور بودند که هزینه‌های جنگ را از دو راه پرداخت مالیات بیش‌تر و خرید اوراق قرضه جنگ^۲ تأمین کنند (وکی پدیا). با گذشت زمان اوراق تعهد بدهی خزانه^۳ دولت متنوع شده و افزون بر تأمین نیازهای دولت، به ابزاری برای دخالت در بازار پول و مدیریت نقدینگی تبدیل شده است. این اسناد از نظر اعتبار زمانی به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند^۴:

^۱ Contractual Financial Relation

^۲ War Bonds

^۳ Treury

^۴ www.treasurydirect.gov

اول- اسناد خزانه^۱، اسناد کوتاه‌مدت از چهار هفته تا حداکثر یک ساله هستند. این اسناد کوپن بهره نداشته و در زمان فروش با تخفیف فروخته شده و در تاریخ سررسید بر مبنای ارزش اسمی بازپرداخت می‌شوند.

دوم- اوراق خزانه^۲، اسناد میان‌مدت برای مدت‌های ۲، ۳، ۵، ۷ و ده ساله منتشر می‌شوند و بهره آن در هر ۶ ماه پرداخت می‌شوند.

سوم- قرضه خزانه^۳، اسناد بلندمدت ۳۰ ساله که بهره آن در هر ۶ ماه پرداخت می‌شود. امروزه اوراق متنوع دیگری با انواع نرخ بهره و مدت اعتبار منتشر می‌شود. به‌عنوان مثال (treasury Inflation- protected Security) ، Tips که در زمان‌های ۵، ۱۰، ۳۰ ساله منتشر و نرخ بهره آن هر ۶ ماه متغیر با نرخ تورم پرداخت می‌شود.

این اوراق به‌صورت بین‌المللی توسط کشورها نیز خریداری می‌شوند. جدول شماره ۱ کشورهایایی است که در ژانویه ۲۰۱۴ حداقل ۴۰ میلیارد دلار از این اوراق را داشته‌اند نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود مبلغ قابل توجه‌ایی از اوراق تعهد بدهی خزانه دولت امریکا توسط سایر کشورها خریداری شده است

¹ Treasury Bills

² Treasury Notes

³ Treasury Bonds

جدول شماره ۱: کشورهای دارنده (بیشتر از ۴۰ میلیارد دلار) اوراق تعهد بدهی خزانه دولت آمریکا،

ژانویه ۲۰۱۴

دارندگان	مبلغ میلیارد دلار	درصد نسبت به GDP	درصد تغییرات نسبت به ژانویه ۲۰۱۳
چین	۱.۲۷۳/۵	%۱۰	٪+۴/۹
ژاپن	۱.۱۲۰/۴	%۲۴	٪+۸/۸
بلژیک	۳۱۰/۳	%۶۱	٪+۶۷/۲
مراکز بانکی کارایب	۲۹۳/۳	n/a	٪+۶/۸
صادرکنندگان نفت	۲۴۶/۴	n/a	٪-۵/۸
برزیل	۲۴۶/۰	%۱۱	٪-۳/۲
تایوان	۱۷۹/۱	%۳۷	٪-۷/۱
سوئیس	۱۷۳/۷	%۲۷	٪-۸/۶
انگلیس	۱۶۲/۹	%۷	٪+۱۶/۹
هنگ کونگ	۱۶۰/۳	%۵۷	٪+۱۲/۲
لوگزامبورگ	۱۳۵/۳	%۲۲۳	٪-۸/۳
روسیه	۱۳۱/۸	%۶	٪-۱۹/۸
ایرلند	۱۰۸/۸	%۴۹	٪+۰/۳
نروژ	۸۸/۲	%۱۷	٪+۱۵/۳
سنگاپور	۸۵/۹	%۳۰	٪-۱۷/۲
هند	۶۸/۱	%۴	٪+۱۶/۴
مکزیک	۶۷/۲	%۵	٪+۷/۳
آلمان	۶۳/۹	%۲	٪+۵/۶
فرانسه	۶۷/۵	%۲	٪+۱۰/۲
کره	۵۵/۶	%۵	٪+۱۵/۶
کانادا	۵۵/۳	%۳	٪-۱۰/۴
ترکیه	۴۸/۹	%۶	٪-۱۵/۳
تایلند	۴۷/۸	%۱۲	٪-۲۲/۴

مأخذ: وکی پدیا

یکی از مشکلات کنونی دولت‌ها در کشورهای اسلامی، تأمین مالی، برای پروژه‌ها یا به‌هنگام روبه‌رویی با کسری بودجه است. ابزارهای مالی متعارف نیز به‌واسطه ربوی بودن قابل استفاده نیستند.

بازار اوراق مالی، یکی از ابزارهای سیاستگذاری پولی محسوب می‌شود. عملیات بازار باز^۱ یکی از مهم‌ترین این ابزارهاست. این ابزار نیز به‌واسطه ساختار ربوی بودن آن قابل استفاده در کشور ما نبوده است. از این‌رو معرفی ابزارهای مشابه لیکن منطبق بر شریعت اسلام می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند.

به‌تازگی با مطرح شدن اسناد خزانه اسلامی، افق جدیدی برای کاربرد این اوراق به‌صورت گسترده در بازارهای اولیه و ثانویه باز شده است. این موضوع از این نظر مهم است که در صورت ایجاد بازارهای ثانویه، با گردش مالی درخور توجه و امکان اجرای عملیات بازار باز توسط بانک مرکزی، زمینه لازم برای اعمال مدیریت مناسب بازار پول؛ نقدینگی و سیاستگذاری مناسب اقتصادی فراهم می‌شود.

۲-۲- بازارهای مالی اسلامی

هر چند بازارهای بدهی جزء جدایی‌ناپذیر بخش مالی هستند، لیکن از آنجایی که براساس احکام اسلام، مطالبه و پرداخت بهره حرام است، کشورهایی که بخش عمده‌ایی از جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند، نمی‌توانند برای پاسخ به نیازهای مالی خود از بازارهای بدهی دیرینه (مبتنی بر بهره) استفاده کنند. از این‌رو در این کشورها تقاضای زیادی برای توسعه یک بازار بدهی جانشین وجود دارد که با معیارها و احکام اسلام نیز مطابقت داشته باشد (فتح‌اله تازی، ص ۱۱)

^۱ Open Market Operation

۲-۳- ویژگی‌ها و تفاوت‌های اوراق بهادار ربوی و اسلامی

تسخیری (ص ۱۱) تفاوت اوراق بهادار ربوی و اسلامی را به شرح زیر بیان می‌کند.

۱-۳-۲- ویژگی‌های اوراق بهادار ربوی

الف- اوراق بهادار ربوی بیانگر مالکیت دارندگان آن‌ها در طرح‌های تجاری یا صنعتی که اوراق برای آن‌ها انتشار یافته نیست و بیش‌تر نشانگر وام ربوی است که خریداران اوراق به صاحبان طرح‌ها و در واقع طرف‌های صادرکننده اوراق می‌دهند.

ب- در این اوراق به‌طور معمول سود معینی در دوره‌های معین ماهانه، فصلی یا سالانه میان دارندگان اوراق تقسیم می‌شود؛ این سود براساس نرخ (درصدی) از سرمایه و نه نسبتی از سود واقعی در نظر گرفته می‌شود و در موارد کمی مانند اسناد بلندمدت، متغیر است و متناسب با نرخ تورم در نظر گرفته است.

ج- در این اوراق، استرداد اصل سرمایه در پایان مدت آن‌ها چه طرح سود کند یا چه زیان، تضمین شده است و صادرکننده اوراق فقط به بازگرداندن سرمایه همراه با سود توافق متعهد شده است. سودهای اضافی طرح به‌طور کامل به خودش تعلق دارد و دارندگان اوراق حق مطالبه سهمی از سود اضافی نسبت به نرخ بهره را ندارند. همان‌طور که اگر طرح به هر علتی با زیان روبه‌رو شود مسئولیتی در برابر آن ندارند.

۲-۳-۲- ویژگی‌های اوراق بهادار اسلامی

۱-۳-۲-۱- مالکیت صاحبان اوراق

بر این اساس، اسناد و اوراق بهادار اسلامی باید بر پایه طرح‌های تجاری، کشاورزی، خدماتی یا صنعتی جدیدی با مشارکت سرمایه صاحبکاران این اوراق منتشر شود و چنانکه برای طرح‌های موجود منتشر شوند، می‌بایست مالکیت آن‌ها اعم از اینکه اعیان، منافع یا حقوق معنوی باشد به صاحبان اوراق منتقل شود.

۲-۲-۳-۲- کیفیت توزیع سود

بازدهی اوراق بهادار اسلامی به نوع قراردادی ارتباط دارد که اوراق براساس آن طراحی می‌شود و از نظر ثابت یا انتظاری بودن نرخ بازدهی متفاوت‌اند و در مجموع در سه گروه عمده جای می‌گیرند.

اول- اوراق مبتنی بر خرید و فروش دین

گروهی از اوراق بهادار اسلامی چون اوراق استصناع و مرابحه است. این اوراق به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که صاحبان اوراق در مدت زمان مشخص به سود معینی دست می‌یابند. برای مثال، دولت (وزارت راه) سفارش ساخت بزرگراهی را به پیمانکاری می‌دهد و به‌جای پرداخت پول نقد، به پیمانکار اوراق بهادار استصناع قابل تنزیل در بازار ثانوی می‌دهد.

دوم- اوراق مبتنی بر خرید و فروش دارایی فیزیکی

گروه دوم از اوراق بهادار اسلامی شامل خرید و فروش دارایی‌های فیزیکی است. شاخص‌ترین مصداق‌های این گروه اوراق اجاره به‌ویژه اجاره، به‌شرط تملیک است که از نظر تأمین مالی و گاهی تأمین نقدینگی منتشر می‌شوند. بازدهی این اوراق گرچه از نظر متغیر بودن جریان درآمدی خالص آن‌ها، متغیر است، لیکن می‌توان با اتخاذ تدابیری (مدیریت ریسک) به بازدهی با ثباتی دست یافت.

سوم- اوراق مبتنی بر مشارکت در سود طرح اقتصادی

گروه سوم از اوراق بهادار اسلامی براساس عقود مشارکتی اسلام طراحی شده‌اند. اوراق بهاداری چون اوراق مشارکت، اوراق مضاربه، اوراق مزارعه و اوراق مساقات از این گروه هستند. ماهیت حقوقی کار در این اوراق آن است که صاحبان اوراق بهادار به‌صورت مشاع در جایگاه صاحبان سرمایه در احداث پروژه یا انجام یک فعالیت اقتصادی مشارکت می‌کنند و به تبع آن در سود حاصله سهیم می‌شوند. اگر چنانکه پروژه با زیان روبه‌رو شود، به تناسب بین صاحبان سرمایه تقسیم می‌شود.

۳-۲-۲-۲- تضمین اصل سرمایه

ماهیت حقوقی اغلب اوراق بهادار ربوی، قرض با بهره است که به مقتضای قرارداد ناشر اوراق، اصل سرمایه صاحبان اوراق (ارزش اسمی اوراق بهادار) را تضمین می‌کند. به عبارت دیگر ناشر اوراق، در سررسید معادل ارزش اسمی اوراق را به صاحبان آن‌ها می‌پردازد و این امر اثر انگیزشی بالایی برای خریداران اوراق دارد. ناشران اوراق بهادار اسلامی نیز تلاش می‌کنند چنین تضمینی را به صاحبان اوراق بدهند. پرسش این است که آیا چنین تضمینی از دید فقه اسلامی پذیرفته است؟ به ویژه اینکه، قاعده فقهی مستفاد از روایت‌ها می‌گوید (موسوی خمینی، ۴۳۶-۱۴۱۵) «من له الغنم فعلیه الغرم - یعنی کسی که سود برای اوست، همانا ضرر هم برای اوست».

بنابراین صاحبان اوراق بهادار که از سود اوراق بهره‌مند می‌شوند، می‌بایست زیان احتمالی را نیز برعهده گیرند. پس اگر پروژه یا طرح با خسارت شود یا فعالیت اقتصادی دچار زیان شود، مؤسسه مالی ناشر اوراق، تعهدی در برابر صاحبان اوراق نخواهد داشت و کل خسارت و زیان متوجه سرمایه‌گذاران (صاحبان اوراق) است.

در پاسخ به این موضوع می‌توان گفت، در اوراق بهادار اسلامی اگر مؤسسه مالی ناشر اوراق هیچ تعهدی به صاحبان اوراق نداده باشد، براساس قاعده فقهی پیش گفته، زیان احتمالی مربوط به صاحبان اوراق خواهد بود. لیکن اگر در ضمن واگذاری اوراق به صورت شرط ضمن عقد، بازپرداخت اصل سرمایه را تضمین کرده باشد، نسبت به گروه‌های سه‌گانه اوراق که در بحث سود گذشت، متفاوت خواهد بود (تسخیری ص ۹).

۴-۲- بازارهای اولیه و ثانویه

بازار اولیه یا بازار دست اول، بازار مالی است که در آن اوراق بهادار سهام یا اوراق قرضه به نخستین خریداران (به‌وسیله شرکت یا سازمان‌های دولتی) فروخته می‌شود.

بازار ثانویه یا بازار دست دوم، بازار مالی است که در آن اوراق بهاداری که در گذشته منتشر شده است و دست دوم می‌باشد در آن خرید و فروش می‌شود. (فردریک میشکین)

۵-۲- ابزارهای تأمین مالی از نگاه ایجاد بدهی

برخی از پژوهشگران مسلمان، ابزارهای تأمین مالی اسلامی را به دو گروه کلی زیر تقسیم‌بندی کرده‌اند: (قضاوی - بازمحمدی ص ۲۶-۲۵)

اول- ابزارهای تأمین مالی بدون ایجاد بدهی

همه این ابزارها ایجاد مالکیت می‌کنند و ضمن بازدهی برای سرمایه‌گذار امکان داد و ستد به قیمت بازاری دارند.

دوم- ابزارهای تأمین مالی با ایجاد بدهی

دولت ممکن است در شرایطی اقدام به استقراض عمومی کند. به‌عنوان مثال در زمان‌هایی که برای پوشش اختلاف زمانی بین گردآوری درآمد تا پرداخت مخارج ایجاد می‌شود.

استفاده از ابزارهای ایجادکننده بدهی با محدودیت‌های شرعی روبه‌روست. اول آنکه هر نوع افزایش در مبلغ بدهی در مقابل تمدید مدت، ربا و حرام است و دوم آنکه بدهی را نمی‌توان با بدهی، معاوضه کرد. از سوی دیگر به‌منظور تشکیل بازار ثانویه و افزایش نقدشوندگی ابزارهای بدهی، یافتن راه‌حل‌های مشروع ضروری است. این راه‌حل‌ها عبارت‌اند از تنزیل و خرید دین. یکی از راه‌هایی که برای تأمین منابع مالی دولت پیشنهاد شده، این است که دولت؛ مطالبات را خود از شرکت‌ها و مؤسسات داخلی و خارجی به‌صورت اسناد یکنواخت درآورده و به کم‌تر از قیمت اسمی مندرج در سند بفروشد، در واقع مطالبات خود را تنزیل کند و دارندگان این اوراق نیز می‌توانند با تنزیل ورقه، آن را در بازار ثانوی به دیگران واگذارند. به‌منظور ایجاد اطمینان در بازپرداخت اوراق، دولت یا مؤسسه بیمه می‌تواند اسناد را تضمین کند و در صورت

امتناع بدهکار، بدهی را به دارندگان اوراق بپردازد. این معامله در کتاب‌های فقهی، تحت عنوان بیع دین طرح شده است (سیدباقر موسوی، ص ۱)

۳- بررسی ابعاد حقوقی و فقهی معامله بدهی (بیع دین) و تنزیل

۳-۱- اصطلاح اقتصادی تنزیل

تنزیل در اقتصاد عبارت است (ثابت عبدالحمید) از: معامله و فروش حق دریافت مبلغ مدت‌دار در مقابل مبلغی کم‌تر و نقد. و به مابه‌التفاوت دو مبلغ نزول می‌گویند. لازمه این تعریف محاسبه ارزش کنونی مبلغ مدت‌دار است. تنزیل^۱ با این مفهوم، معادل «الخصم» است.

«بیع دین» یکی از واژه‌هایی است که در فقه اسلامی با تنزیل ماهیتی یکسان دارد و در بانکداری اسلامی از آن به فروش یا خرید دین یاد می‌شود. بیع دین به معنای فروش دین مدت‌دار، به مبلغی کم‌تر است. به عبارت روشن‌تر، بیع دین عبارت است از تنزیل اسناد و اوراق تجاری که سررسید آن‌ها در آینده است. به این صورت که مثلاً دارنده سفته با مراجعه به بانک، پیش از سررسید، طلب خود را پیشکی و با مبلغی کم‌تر دریافت می‌کند.

۳-۲- تفاوت‌های تنزیل و بیع دین

الف- در بیع دین، فقط عقد بیع مطرح است، لیکن در تنزیل، می‌توان از عقود دیگری مثل صلح بهره گرفت.

ب- به‌طور معمول، تنزیل در بدهی پولی مطرح است لیکن بیع دین هم در بدهی پولی مطرح می‌شود و هم در بدهی کالایی.

^۱ Discount & Escompte

- ج- از نظر شرعی، در بیع، محدودیت‌هایی چون واقعی بودن دین وجود دارد. در حالی که تنزیل اصطلاحی عام است.
- د- برای تنزیل از اقتصادی قیودی چون کوتاه‌مدت بودن سررسید مطرح است، در حالی که بیع دین عام است.

۳-۳- تنزیل دوباره

یکی دیگر از مصادیق بیع دین و تنزیل در معاملات بانکی، تنزیل دوباره است که براساس آن اسناد که توسط بانک‌های تجاری از مشتریان تنزیل شده، بار دیگر توسط بانک مرکزی با نرخ که بانک مرکزی معین کرده تنزیل می‌شود. عبدالحمید ثابت در این باره می‌گوید: امروزه سیاست پولی بانک مرکزی (کنترل و تعدیل حجم اعتبارات) با توجه به احتیاج واقعی اقتصاد، از مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی شناخته می‌شود و یکی از ابزارهای رایج این کار، تنزیل دوباره است. در تنزیل دوباره اوراق و اسناد بهادار که توسط دارندگان آن با نرخ بهره رایج بانکی نزد بانک‌های تجاری تنزیل شده‌اند، برای بار دوم با نرخ که تحت عنوان تنزیل دوباره توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود، از سوی بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی تنزیل می‌شوند. تعیین و تغییر نرخ تنزیل مجدد از ابزارهای مهم سیاست پولی است و بانک مرکزی از این راه حجم پول در گردش و اعتبارات را کنترل می‌کند. (محمدنادر خلیلی)

۳-۴- آیا معامله دین بیع است

با توجه به اینکه بیع یک نوع عقد (قرارداد) است، ابتدا به تعریف عقد و انواع آن از نظر حقوقی اشاره می‌شود و سپس به ابعاد بیع دین می‌پردازیم.

۱-۴-۳- تعریف عقد^۱

ماده ۱۸۳ قانون مدنی عقد را این‌طور تعریف می‌کند: "عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری کنند و مورد قبول آن‌ها باشد" پس هر عقد دارای دو شرط اساسی است. اول- در اثر توافق دو یا چند اراده به وجود می‌آید. دوم- نتیجه و منظور از توافق ایجاد تعهد است. بر این تعریف انتقادهایی وارد است. از جمله اینکه تعهد اثر عقد است نه خود آن. عقد عبارت از توافقی که از آن تعهد بیرون می‌آید. یا وعده دوستانه دو نفر را برای انجام کاری را نمی‌توان عقد نامید زیرا توافقی را باید عقد شمرد که طرفین خود را متعهد و پایبند به مفاد آن سازند. در حقوق اسلام هیچ‌گاه اثر عقد محدود به ایجاد تعهد نبوده است و از دیرباز پذیرفته شده که قصد طرفین توان ایجاد حق عینی و انتقال مالکیت را به‌طور مستقیم دارد. از این‌رو با این مقدمه در تعریف عقد می‌توان گفت: "توافق دو یا چند اراده است که به‌منظور ایجاد آثار حقوقی انجام می‌شود" توافق دو اراده:

گاهی اتفاق می‌افتد یک شخص بیان اراده طرفین عقد را برعهده می‌گیرد. مانند پدری که مال خود را به فرزند صغیر می‌فروشد و به ولایت از طرف او بیع را می‌پذیرد یا امینی که دو طرف قرارداد سندی را امضاء می‌کند. در این‌گونه موارد عقد به ظاهر با یک اراده واقع می‌شود، لیکن در واقع یک نفر عهده‌دار بیان دو اراده است. پس "معامله با خود" را نباید استثنای واقعی بر قاعده لزوم توافق دو اراده شمرد. (همان ص ۱۷)

۲-۴-۳- عقد بیع

تعریف بیع (کاتوزیان - قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی)

^۱ کاتوزیان، صص ۲۴-۱۸.

ماده ۳۳۸ قانون مدنی: بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم (در بیع باید دو طرف تراضی کنند که یکی از دو عوض (عین) مبیع و دیگری ثمن و بهای آن باشد. مبادله بدون قید و امتیاز معاوضه است.)

ماده ۳۳۹ قانون مدنی: پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود (معاطات). ممکن است بیع به داد و ستد نیز واقع شود.

ماده ۳۴۱ قانون مدنی: بیع مشروط و مؤجل: بیع ممکن است مطلق باشد یا مشروط و ممکن است که برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع اجلی قرار داده شود. توضیح آنکه معامله کالی به کالی در مقابل معامله نقد، نسیه و سلف قرار دارد. در معامله نقد، ثمن و مثن بدون مدت هستند، و در نسیه، ثمن مدت‌دار است و در سلف، مثن مدت دارد و در کالی به کالی، هر دو طرف مدت‌دار هستند (مجید رضایی ص ۳) در برخی تعابیر، بیع کالی به کالی با بیع دین به دین یکسان و باطل دانسته شده است. درباره بطلان بیع دین به دین، روایت و اجماع وجود دارد و فقط در معنای آن اختلاف هست. آیا ثمن و مثن هر دو باید قبل از بیع دین باشد یا شامل دین به عقد هم می‌شود. مورد اول مسلم است؛ بنابراین اگر دو طرف معامله با عقد، مؤجل شوند، این بیع کالی به کالی، و باطل است.

در مورد بیع کلی به ثمن نسیه (کاتوزیان ص ۲۸۶)، بعضی نویسندگان نظر داده‌اند که مبیع باید تسلیم شود و قبض شرط صحت است (دکتر سیدحسن امامی ج ۱ ص ۴۵۳ و ۴۵۵) ولی آنچه به‌طور صریح در شرع منع شده بیع دین به دین است. یعنی بیع چیزی که پیش از بیع دین است به دین، و دلیل قاطعی برای بیع کالی به کالی وجود ندارد و موضوع مشمول ماده ۱۰ ق.م.ا است. (ماده ۱۰: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آنرا منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.)

در بیع سلم یا سلف (مبیع کلی و در ذمه در برابر ثمن) لزومی به نقد بودن ثمن یا تسلیم آن در مجلس عقد وجود ندارد.

ماده ۲۷۱ قانون مدنی: دین باید به شخص داین یا به کسی که از طرف او وکالت دارد تأدیه گردد یا به کسی که قانوناً حق قبض دارد.

ماده ۲۷۲ قانون مدنی: تأدیه به غیر اشخاص مذکور در ماده فوق وقتی صحیح است که داین راضی شود.

آیتاله خوئی در این باره می نویسد: برای تحقق بیع، یکی از این دو امر باید موجود شود:

۱. یکی از عوضین متاع، و دیگری نقد باشد که در این فرض، کسی که متاع را می دهد، بایع، و کسی که نقد را می دهد، مشتری است. ۲. در صورتی که عوضین از قبیل پول باشد یا هر دو از اجناس باشد، بایع کسی است که غرض او حفظ مالیت مال خود است و مشتری به کسی گفته می شود که غرض او، رفع نیاز است و اگر در معامله، هیچ یک از این دو شرط نبود، این معامله بیع نیست و احکام خاص آن را ندارد. گویا اغراض متعاملین، نقشی در تعیین حقیقت معامله ندارد و آن چه ماهیت و حقیقت معامله را شکل می دهد، کیفیت انشاء و عنوانی است که انشاء می شود. و از نظر عرفی، هرگاه یکی از متعاملین، مال خود را در مقابل عوض به دیگری تملیک کند، بایع شمرده می شود، هر چند به خصوصیت ثمن هم نیاز داشته است و غرض او به دست آوردن آن باشد و کسی که تملیک را پذیرفته است، مشتری به شمار می رود، گر چه غرض او به دست آوردن خصوصیت مبیع نباشد و غرض او حفظ مالیت مالش باشد. به همین جهت بسیاری از فقیهان در تعریف بیع که ماهیت بیع را بیان می کند، این جهت را اخذ نکرده اند. (سیدباقر موسوی ص ۳).

۵-۳- آیا معامله دین، بیع است

حقیقت بیع، اخراج از ملک یا اضافه در مقابل عوض و قبول طرف دیگر است، و بنابراین تفسیر بیع دین که محل بحث است، به حقیقت، بیع بر آن صادق است؛ زیرا عوضین به طور معمول از نقود است و غرض هیچ کدام، خصوصیت نیست. اما چون شخصی طلب خود را به دیگری تملیک می‌کند و دیگری آن را می‌پذیرد، این معامله به طور حقیقی بیع است؛ ولی اگر همین معامله، به صورت تاخت زدن (معاوضه) باشد بیع نیست و احکام خاص آن را ندارد.

بیع بودن این معامله، از جهت عین بودن مبیع اشکالی ندارد، چون مقصود کسانی که در حقیقت بیع، تملیک عین یا مبادله عین را معتبر دانسته‌اند، این است که مبیع هنگام وجود خارجی باید عین باشد، هر چند در حال حاضر وجود خارجی ندارد و در ذمه است. بنابراین، بیع سلف را در حقیقت، بیع دانسته‌اند و غرض آن‌ها از اعتبار این قید، خارج کردن اجاره است که تملیک منافع به‌شمار می‌رود و بنابر مسلک کسانی که در حقیقت بیع، عین بودن مبیع را معتبر ندانسته‌اند، مطلب روشن است. اشکال در بیع بودن امثال این معامله، این است که در بیع باید یکی از عوضین، مثنی و دیگری ثمن باشد و اگر هر دو طرف، کالا یا هر دو طرف، پول بود، بیع صادق نیست. (سیدباقر موسوی، ص ۳)

۱-۵-۳- تفاوت معاملات غرری و احتمالی

عقود معاوضی معین و احتمالی: (کاتوزیان ۱۲۹ قواعد عمومی قراردادها) یکی از شرایط عقود معوض این است که میزان و اوصاف تعهد هر طرف هنگام عقد معین باشد، به‌گونه‌ای که بداند در نتیجه عقد چه باید بدهد و چه در برابر آن می‌گیرد. با وجود این قانونگذار ما نیز بنا به مصلحت‌های اجتماعی و اقتصادی گاه عقدی را که آثار آن احتمالی است مباح شمرده و "غرر" ناشی از آن را مؤثر نشناخته است. قانون بیمه نیز نمونه بارزی برای این‌گونه قراردادها به‌وجود آورده است. زیرا در

عقد بیمه حدود سود زیان طرفین هنگام پیمان معین نیست و بستگی به وقوع حادثه نامعلوم در آینده دارد. لذا قانونگذار آثار احتمالی یک عقد در آینده را پذیرفته ولی اقدامات غرری را نپذیرفته است.

در خصوص بیع دین نیز وصول مبلغ دین که به آینده موکول است یا ممکن است مدیون استنکاف یا از عهده آن برنیاید، از موارد احتمالی بوده و در شرح پذیرفته شده است و حکم غرر را بر آن حمل نمی‌کنند.

۲-۵-۳- دیدگاه‌های فقهی درباره فروش دین

سیدباقر موسوی (ص ۴) نظریات مختلف در خصوص بیع دین را به شش نظریه تقسیم‌بندی کرده است که به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

نظریه اول: این است که بیع دین به‌طور مطلق، باطل است و تفصیلی بین بیع به مدیون و غیر او، و بین بیع دین حال و موجل نیست. شیخ طوسی، این قول را به شافعی نسبت داده و دلیلی را برای آن ذکر نکرده است.

نظریه دوم: را بسیاری از فقیهان پذیرفته‌اند که صاحب حدائق و صاحب شرایع و یحیی بن سعید و شهید در دروس از آن جمله‌اند و این نظریه، بین دین حال و موجل تفصیل قائل می‌شود و بیع دین حال را صحیح، و موجل را باطل می‌داند. (دلیل بر این تفصیل، در صحت بیع، ملکیت معتبر است و اگر دین موجل باشد، طلبکار، بالفعل، مالک چیزی در ذمه مدیون نیست).

نظریه سوم: این است که بیع دین به مدیون درست، ولی به شخص ثالث باطل است و ابن ادریس در سرائر این نظر را برگزیده و دلیل او این است که بیع‌های صحیح در شرع، در بیع اعیان و بیع در ذمه منحصر است و بیع اعیان به مشاهد و موصوف تقسیم می‌شود (عین شخصی، یا حاضر است که با مشاهده خریداری می‌شود یا غایب است که با وصف آن را می‌خرند)، و بیع دین، داخل هیچ یک از اقسام پیشین قرار نمی‌گیرد و این بیع به واسطه این که متعلق آن، حتی برای صاحبش معلوم

نیست تا آن را وصف کند و به واسطه تخلف وصف، خریدار، خیار داشته باشد، غرری، و مشمول روایت «نهی النبی عن بیع الغرر» می‌شود و نهی بر فساد دلالت می‌کند.

نظریه چهارم: که بسیاری از فقیهان آن را اختیار کرده‌اند، این است که بیع دین موجد به ثمن حال (نقد) جایز است. چه به مدیون فروخته شود و چه به شخص ثالث. ولی بیع دین به نحو نسیه و ثمن موجد، باطل است و از کسانی که این نظر را برگزیده‌اند می‌توان محقق در جامع المقاصد، شهید در لمعه و مقدس اردبیلی را نام برد. گرچه مقدس اردبیلی در فروش نسیه به مدیون مطلقاً، جواز را اختیار کرده است. مستند این تفصیل، روایت طلحه بن زید است. کلینی با سند خود از حسن بن محبوب از ابراهیم بن مهزم از طلحه بن زید از ابن عبد... (ع) نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود: «لا یباع الدین بالدین».

نظریه پنجم: که شیخ طوسی و ابن براج و شهید در دروس آن را پذیرفته‌اند و آن این است که بیع دین به کم‌تر، صحیح است، ولی مشتری، بیش‌تر از آن مقدار که به طلبکار پول داده است نمی‌تواند از بدهکار بگیرد و ذمه بدهکار از ما بقی دین، بری می‌شود. مستند این نظر، دو روایت است که فقیهان از آن بحث کرده‌اند.

نظریه ششم: که فقیهان معاصر و بسیاری از فقیهان پیشین آن را اختیار کرده‌اند، این است که بیع دین مطلقاً صحیح است و خریدار، مالک تمام دینی می‌شود که خریده است. در این قسمت نظر تعدادی از فقیهان ارائه می‌شود. آیت‌الله العظمی سید کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی در کتاب استفتات، بیع دین را به اقل تجویز کرده است. آیت‌الله العظمی بروجردی می‌گوید: اگر کسی از دیگری طلبی دارد که از جنس طلا و نقره و چیزهایی که با وزن یا پیمانه معامله می‌شود نباشد، می‌تواند آن را به شخص بدهکار یا به دیگر، به کم‌تر بفروشد و وجه آن را نقد بگیرد و این کار که در حال حاضر بین تجار و کسبه معمول است که برات یا سفته‌هایی که طلبکار از بدهکار گرفته و مدت آن نرسیده است، بانک یا شخص دیگر به کم‌تر

می‌فروشد و پول آن را نقد می‌گیرد، اشکال ندارد، چون اسکناس با وزن و پیمانانه معامله نمی‌شود.

آیت‌الله خوئی در کتاب منهج‌الصالحین می‌نویسد: بیع دین در مقابل مال موجود صحیح است، هر چند ثمن کم‌تر باشد، در صورتی که ربوی یا هم جنس نباشند. در بحث استطاعت حج نیز می‌نویسد، اگر مکلف، دین موجد خود را بتواند نقد بفروشد و به حج برود، چنانکه الان مرسوم است، واجب است، چون مستطیع بر او صدق می‌کند. همچنین آیات عظام، وحید خراسانی، تبریزی، سیستانی، و زنجانی، این معامله را صحیح دانسته و گفته‌اند: مشتری می‌تواند تمام دین را از بدهکار بگیرد. دلیل بر این نظریه، این است که حقیقت این معامله، بیع شمرده می‌شود و ادله عامه، مثل آیه «وفوا بالعقود» و آیه «الا ان تكون تجاره عن تراض» شامل آن می‌شود و چون مخصصی برای این ادله نیست، باید به صحت آن حکم کنیم و آن چه را بیع بر آن واقع شده، تمام دین است و مشتری باید بتواند همه را بگیرد.

۴- ابزارهای بانک مرکزی برای دخالت در بازار پول

در نظام‌های بانکی مرسوم، بانک‌های مرکزی برای دخالت غیرمستقیم در بازار پول عموماً از سه ابزار: نسبت سپرده قانونی، نرخ تنزیل و عملیات بازار باز بر روی اسناد خزانه یا اوراق قرضه دولتی استفاده می‌کنند. (قضاوی - بازمحمدی ص ۴)

الف- نسبت سپرده قانونی: دریافت سپرده قانونی از بانک‌ها توسط مقامات پولی و نظارت بانکی، در گذشته به انگیزه تأمین امنیت بخشی از سپرده‌های مردم و جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها وضع شد. اما امروزه انگیزه اصلی برای رعایت این ضابطه، جلوگیری از حجم پول و نقدینگی است.

ب- نرخ تنزیل مجدد: هزینه استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی را نرخ تنزیل مجدد گویند و معمولاً کم‌تر از نرخ بهره اعطایی توسط بانک‌ها (و بالاتر از نرخ بهره بین بانکی یا فدرال) است.

ج- عملیات بازار باز: دخالت بانک مرکزی در بازار اسناد خزانه و یا اوراق قرضه دولتی به منظور تنظیم حجم نقدینگی را عملیات بازار باز می‌نامند. شرط کارایی این ابزار وجود بازار مالی گسترده است.

۴-۱- اسناد خزانه اسلامی به عنوان ابزار جدید مالی

نظر به اینکه از یک سو ماهیت اساسی اسناد خزانه مبتنی بر تنزیل بوده و از سوی دیگر بدهی تنزیلی باید از پیش موجود باشد؛ بنابراین فروش اولیه اسناد خزانه متعارف از باب بیع دین (تنزیل) نبوده و حقیقت آن چیزی جز قرض با بهره نیست؛ در نتیجه این ابزار قابل استفاده در نظام اقتصاد اسلامی نخواهد بود. از این رو لازم است ابزارهای مناسبی برای اجرای سیاست‌های مالی و پولی طراحی شود. یکی از ابزارهایی که می‌تواند جایگزین مناسبی برای این اوراق باشد، اسناد خزانه اسلامی است. معرفی اسناد خزانه اسلامی بر مبنای خرید دین، پنجره جدیدی را در این زمینه گشوده است از حوزه‌های بکر مالیه اسلامی است.

اسناد خزانه اسلامی، ابزاری مالی است که مبتنی بر بدهی دولت به نظام بانکی، ذی‌نفعان و تأمین‌کنندگان منابع بوده و به وسیله خزانه‌داری کل وزارت امور اقتصادی و دارایی منتشر می‌شود. (موسویان - خادم‌الحسینی ص ۳)

تفاوت این اوراق با اسناد خزانه مرسوم آن است که دین از پیش محقق شده مورد معامله قرار می‌گیرد؛ در حالی که در اوراق مرسوم با فروش اوراق، بدهی ایجاد می‌شود.

۴-۲- دلایل ایجاد بدهی عمومی توسط دولت‌ها

دولت‌ها برای اجرای برنامه‌های خود گاهی مجبور به اتخاذ سیاست مالی انبساطی هستند. در این زمان هزینه‌های دولت افزایش می‌یابد. این شرایط بیش‌تر در دوران

رکود اتفاق می‌افتد. در شرایط رکودی، افزایش مالیات‌ها به رکود بیش‌تر دامن می‌زند. از این‌رو کسری بودجه اجتناب‌ناپذیر است. در این هنگام دولت‌ها با انتشار اوراق بدهی و با ترغیب سرمایه‌گذاران به خرید اوراق، به امید بهبود شرایط پس از رکود، کسری بودجه را تأمین می‌کنند.

در تحلیل کلان اقتصادی، اینکه دولت‌ها مخارج خود را از طریق سیاست کسری بودجه تأمین کنند یا از طریق دریافت مالیات بیش‌تر، به سطح بیکاری موجود در اقتصاد کشور بستگی دارد. چنانچه نرخ بیکاری خیلی پایین باشد، مخارج بیش‌تر دولت می‌تواند به افزایش تورم منجر شود. بنابراین ضروری است که با افزایش مالیات‌ها بخشی از قدرت خرید بخش خصوصی از آن گرفته شود. برعکس، چنانچه نرخ بیکاری بالا باشد، اجرای سیاست کسری بودجه و ایجاد بدهی عمومی، راه‌حل مناسبی برای تحریک تقاضای کل خواهد بود. (بازمحمدی ص ۳۵)

در نظام‌های مالی ربوی، از راه‌های مهم ایجاد بدهی دولت از طریق انتشار اسناد خزانه، اوراق خزانه و قرضه خزانه صورت می‌پذیرد. با توجه به اینکه بیع دین (برای دیون واقعی نه صوری) بنا به اقوال مشهور علمای شیعه مجاز دانسته شده است، بر این اساس برای بدهی‌های دولت، خزانه‌داری کل می‌تواند نسبت به انتشار اسناد خزانه اسلامی اقدام کند. با توجه به اینکه بدهی دولت به پیمانکاران یا سایر نهادهای دولتی و عمومی مستقل مبلغ درخور توجه‌ای است، در صورت تشکیل بازار ثانویه، این اوراق می‌تواند به ابزار مناسب برای اعمال سیاست‌های مالی یا پولی به کار رود. بدیهی است امکان افزودن به مبلغ اسمی مطالبات. به دلیل دیرکرد در پرداخت، وجود ندارد. لیکن در قراردادهایی که مشمول جریمه تأخیر می‌شوند، مبلغ اسمی بدهی، عبارت از مجموع مبلغ قرارداد و مبلغ جریمه تأخیر در پرداخت خواهد شد.

۳-۴- بررسی کارایی اسناد خزانه اسلامی با توجه به قانون بودجه

تاکنون اوراق بهادار منتشر شده توسط دولت یا سازمان‌ها و شرکت‌ها به دلیل عدم معامله در بازارهای ثانویه و همچنین محدودیت در میزان انتشار یافته، از کارایی مناسب برای دخالت در آن برای سیاستگذاری پولی برخوردار نبوده است. در قانون بودجه سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ برای اسناد خزانه اسلامی مواردی قرار داده شده است که این موضوع می‌تواند موجب ناکارایی این اسناد به عنوان یک ابزار سیاستگذاری مالی شود. این موارد عبارت‌اند از:

- اسناد خزانه اسلامی در قانون بودجه سال جاری بسیار محدودتر از آنچه در پیشنهاد اولیه بوده به تصویب قانونگذار رسیده است.

- تخصیص این اوراق تنها به طلبکاران غیردولتی، حوزه کاربرد اوراق را بسیار محدود کرده است.

- بانک مرکزی از هر دو بازار اولیه و ثانویه اوراق به دور مانده است.

- امکان عملیات بازار باز از بانک مرکزی سلب شده است.

برای استفاده از اسناد خزانه اسلامی در عملیات بازار باز شرایطی لازم است که به اختصار به آن اشاره می‌شود.

۱-۳-۴- شرط استفاده از عملیات بازار باز

بانک مرکزی به سه شرط می‌تواند از عملیات بازار باز استفاده کند.

(داودی - صمصامی ص ۲۷۵)

اول- حجم کافی و وسیعی از اوراق قرضه دولتی یا سایر اوراق بهادار را داشته باشد تا بتواند در هر زمان لازم به معامله این اوراق بپردازد.

دوم- وجود بازار متشکلی برای خرید و فروش اوراق. اگر بانک مرکزی بخواهد به گونه‌ای مؤثر به خرید و فروش اوراق اقدام ورزد، باید خریداران و فروشندگانی را در دسترس داشته باشد. لازمه این امر وجود بازار است.

سوم - بانک مرکزی باید سهم بزرگی از بازار اوراق بهادار را در دست داشته باشد. بدین معنا که اگر بانک مرکزی بخواهد در اجرای سیاست‌های پولی خود از طریق عملیات بازار باز، موفق باشد باید مثلاً حدود ۴۰ درصد از مبادلات اوراق بهادار در بازارهای پولی را در دست داشته باشد. تا در این صورت با ورود به بازار و خروج از آن اثر زیادی بر قیمت‌ها و نرخ‌های اوراق و حجم معاملات پولی در بازار بگذارد. اگر این سهم کوچک باشد چه بسا عملیات خرید و فروش اوراق توسط بانک مرکزی اثری بر متغیرهای بازار نداشته باشد.

۵- بررسی ابعاد حقوقی اسناد خزانه اسلامی با منشأ بدهی مؤسسات و شرکت‌های دولتی

همان‌طور که در تبصره قانون بودجه سال ۱۳۹۳ ملاحظه می‌شود. تخصیص این اوراق به طلبکاران غیردولتی داده شده است که این امر موجب کاهش حجم اوراق در بازارهای اولیه و ثانویه می‌شود. همچنین امکان ناپذیری دخالت بانک مرکزی موجب تنزل کارایی این اوراق و امکان ناپذیری عملیات بازار باز توسط بانک مرکزی خواهد شد.

بدهی دولت به مؤسسات و نهادهای دولتی مستقل، مبلغ چشمگیری است. یکی از دلایلی که مجوز تخصیص اوراق به این سازمان‌ها را محدود کرده است، شائبه اشتراک مالکیت مؤسسات و نهادهای دولتی (از جمله بانک مرکزی) با دولت است. درباره انتشار اسناد خزانه اسلامی برای پرداخت بدهی دولت به بانک مرکزی گفته شده "این بدهی‌ها ناشی از وام و اعتبار اعطایی بانک مرکزی به دولت و مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی هستند. دولت و دستگاه‌های دولتی با استقراض از بانک مرکزی، نقدینگی موردنیاز خود را تأمین می‌کنند و در پاره‌ای از اوقات توانایی بازپرداخت آن را ندارند. نتیجه این امر انباشت بدهی به بانک مرکزی است. نکته گفتنی در این باره

این است که به علت اتحاد مالکیت دولت و بانک مرکزی، بدهی بین دو شخصیت حقوقی مستقل نیست. بر این اساس تحویل اسناد خزانه به بانک مرکزی از طرف دولت و فروش آن‌ها به وسیله بانک مرکزی به مردم به کم‌تر از مبلغ اسمی و پرداخت مبلغ بیش‌تر به وسیله خزانه‌داری در زمان سررسید از باب استقراض مبلغی و پرداخت مازاد بر آن در سررسید به وسیله دولت است که ربا شمرده شده و قابلیت انتشار در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا را ندارد" (موسویان و همکاران).

با توجه به اینکه جایگاه حقوقی بانک مرکزی و همچنین مؤسسات و اشتراک مالکیت دولت در مؤسسات، نهادها، و یا شرکت‌های دولتی نقش مهمی در تعریف و کارکرد اسناد خزانه اسلامی خواهد داشت در ادامه به موضوع طلبکاران دولتی و غیردولتی پرداخته شده و در این زمینه به قوانین موضوعه برای تشکیل این نهادها پرداخته می‌شود:

دولت به معنی عام دو وظیفه اصلی دارد: (بیژن عباسی ص ۴۲)

فعالیت‌های اعضای جامعه را از راه وضع مقررات لازم‌الاجرا که آن‌ها موظف به پیروی از آن هستند قانونمند می‌کند. نه تنها دولت به وضع مقررات می‌پردازد، بلکه بر اجرای قواعدی که خود وضع کرده پاسداری می‌کند. این امر نقش و وظیفه سنتی دولت است.

خدمات و اموالی را در اختیار اعضای جامعه می‌گذارد. این خدمات انواع گوناگونی دارد و می‌تواند به صورت مادی (خدمات پست مخابرات و ...) و یا غیرمادی (آموزش و پرورش و غیره) باشد. در این باره یا دولت خود مستقیماً به انجام خدمات می‌پردازد یا اینکه بر انجام آن‌ها توسط سازمان‌های زیر نظر خود نظارت می‌کند.

معمولاً همه کشورها دارای قانون اساسی هستند. قانون اساسی مجموعه‌ای از قواعد حقوقی برتری است که قواعد عمومی را سازماندهی، وضعیت حقوقی حکومت‌کنندگان و روابط میان آن‌ها و حاکمیت‌شوندگان را تعیین می‌کند (همان ص ۴۴)

قانون اساسی ضمن بیان قواعد و اصول حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، ارکان حکومت شامل قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه و نحوه نظارت دو قوه اخیر بر مجریه تعریف شده است. از نظر حقوقی دولت به معنای عام کلمه شامل همه قوای عمومی و دستگاه‌های حکمیتی است، لیکن به معنای خاص کلمه شامل قوه مجریه می‌شود.

۱-۵- اشخاص حقوقی (سازمان‌های) اداری

شخص حقوقی به اجتماع اشخاص، اموال یا منافع برای دستیابی به هدف‌های مشترک گفته می‌شود که قدرت عمومی آن را به عنوان واحدی مستقل از عناصر تشکیل دهنده‌اش مورد شناسایی قرار داده است. (همان به نقل از ابوالجمد عبدالحمید، حقوق اداری ایران، دانشگاه تهران ۱۳۵۳، ص ۸۴)

این اشخاص به موجب قانون، تابع حقوق و دارای حقوق و تکالیف، استقلال اداری و مالی، قدرت اراده، صلاحیت انجام کار، بستن قرارداد و تملک اموال هستند که اصطلاحاً شخصیت حقوقی گفته می‌شوند.

- حقوق و تکالیف اشخاص حقوقی

برابر با ماده ۵۸۸ قانون تجارت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت (پدری) و بنوت (پسری) و امثال ذلک.»

بنابراین شخص حقوقی می‌تواند نامی داشته باشد. شخص حقوقی دارای تابعیت کشور خاصی است. همچنین شخص حقوقی دارای اقامتگاه است که طبق قانون مدنی مرکز عملیات او است. شخص حقوقی می‌تواند مالک، بدهکار یا بستانکار باشد و در حدود صلاحیت و هدف خود اعمال حقوقی انجام دهد.

از آنجاکه شخص حقوقی نمی‌تواند مستقیماً حقوق خودش را اجرا کند و اعمال حقوقی انجام دهد، قانونگذار در ماده ۵۸۹ ق.ت. مقرر می‌دارد: «تصمیمات شخص

حقوقی به‌وسیله مقاماتی که به‌موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود.» (محمدحسین احمدی)

اشخاص حقوقی دو دسته‌اند: اشخاص حقوقی حقوق عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی. (عباسی ص ۵۹)

اشخاص حقوقی حقوق خصوصی معمولاً با هدف نفع خصوصی و سودجویی و گاه برای اهداف غیرانتفاعی و معنوی و توسط اشخاص خصوصی ایجاد می‌شوند. معمولاً پیوستن افراد به این اشخاص جنبه اختیاری و داوطلبانه دارد. همچنین اشخاص خصوصی از قواعد حقوق خصوصی (قوانین مدنی و بازرگانی و ...) پیروی می‌نمایند. اشخاص حقوقی عمومی با هدف نفع عمومی، انجام خدمات عمومی و حفظ نظم عمومی ایجاد و توسط اشخاص و مراجع عمومی (همانند قوای مقننه یا مجریه و ...) و به‌موجب قوانین و مقررات تأسیس می‌گردند و برخلاف اشخاص حقوقی حقوق خصوصی نیازی به ثبت در مرجع دیگری ندارند. (ماده ۵۸۷ قانون تجارت). معمولاً پیوستن افراد در برخی از این اشخاص (دولت، نهادهای ملی و محلی) و پیروی از قواعدشان جنبه الزامی دارد. این اشخاص خود از قواعد خاصی تحت عنوان قواعد حقوق عمومی (قوانین اساسی، اداری و ...) تبعیت می‌کنند.

براساس ماده ۱ قانون استخدام کشوری مصوب سال ۱۳۴۵، مواد ۲ تا ۵ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶ و مواد ۱ تا ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری دستگاه‌های اجرایی یا سازمان‌های اداری مرکزی زیر نظر قوه مجریه عبارت‌اند از: الف) کلیه وزارتخانه‌ها ب) مؤسسات دولتی پ) مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی ت) شرکت‌های دولتی تقسیم‌بندی شده است.

به‌موجب قانون مؤسسات زیر دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند: اول- مؤسسه دولتی با ۱۰۰ درصد مالکیت دولت (سازمان‌های تخصصی مانند حفاظت محیط زیست- بنادر و دریانوردی ...) دوم- مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی، بیش از ۵۰ درصد

بودجه از منابع غیردولتی (سازمان تأمین اجتماعی، شهرداری‌ها، بنیادها سوم - شرکت‌های دولتی (بیش از ۵۰ درصد سهام متعلق به دولت است).

۱-۱-۵- دولت به معنای خاص کلمه شامل وزارتخانه‌ها

برابر ماده ۱ قانون مدیریت خدمات کشوری "وزارتخانه واحد سازمانی مشخصی است که تحقق یک یا چند هدف از اهداف دولت را بر عهده دارد و به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و توسط وزیر اداره می‌شود. از نظر وضعیت حقوقی یک واحد سازمانی، اداری و اجرایی است و هیچ یک از وزارتخانه‌ها دارای شخصیت حقوقی نیستند. زیرا کارکنان، اموال، دارایی، بودجه و معاملات آن دولتی بوده و مجموع آن‌ها دولت به معنای خاص کلمه، یعنی قوه مجریه را تشکیل می‌دهد.

۲-۱-۵- مؤسسه دولتی

بر اساس ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی بخشی از وظایف و اموری را که برعهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی است، انجام می‌دهد. مؤسسه دولتی همانند وزارتخانه یک واحد سازمانی، اداری و اجرایی است و به موجب قانون مصوب مجلس ایجاد می‌شود. مؤسسه دولتی دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت است. یعنی از نظر حقوقی می‌تواند دارای حقوق، تکالیف، دارایی، اموال کارکنان و بودجه مستقل از دولت باشد. از نظر بنیادی یا هدف، مؤسسه دولتی از جمله سازمان‌های تخصصی و فنی است که برای امور غیرانتفاعی تشکیل می‌شود و از نظر اجرایی ترجیح داده شده که به جای تشکیل یک وزارتخانه انجام امور به صورت غیرمتمرکز توسط یک نهاد مستقل و فارغ از مسائل سیاسی صورت پذیرد و بخشی از وظایف و اموری را که برعهده یکی از قوای سه‌گانه و دیگر مراجع قانونی است انجام دهد. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان هواپیمایی

کشوری، سازمان بنادر و دریانوردی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری از آن جمله‌اند.

۳-۱-۵- مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی

براساس ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس ایجاد می‌شود و بیش از پنجاه درصد از بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین می‌شود و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد. شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه، بنیاد شهید، جمعیت هلال احمر، سازمان تأمین اجتماعی، از آن جمله‌اند.

۴-۱-۵- شرکت‌های دولتی

براساس ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، شرکت دولتی یک بنگاه اقتصادی است که موجب قانون و فقط با تصویب مجلس برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت و به موجب سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی ایجاد می‌شود و بیش از ۵۰ درصد از سهام آن متعلق به دولت است. شرکت دولتی هر چند که در این ماده بیان نشده است، همانند مؤسسات دولتی و غیردولتی دارای استقلال حقوقی با شخصیت حقوقی مستقل است. (عباسی ص ۶۲)

۲-۵- جایگاه قانونی بانک مرکزی

براساس قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱، بانک مرکزی دارای شخصیت حقوقی مستقل است. به طوری که در بند ج ماده ۱۰ این قانون آمده است بانک مرکزی ج.ا.ا. دارای شخصیت حقوقی است و در مواردی که در این قانون پیش‌بینی نشده است، تابع قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی خواهد بود.

۳-۵- مفهوم مالکیت^۱

یکی از مفاهیم اعتباری، مالکیت است. مالکیت رابطه اعتباری است که میان شخص و مال وجود دارد و حقوق آن را به رسمیت شناخته است. جوهر مالکیت را دو عنصر اختصاصی و انحصاری تشکیل می‌دهد. در فقه، مالکیت به دو دسته واقعی و اعتباری تقسیم می‌شود. در این زمان، مالکیت واقعی به دو دسته تکوینی، یعنی مالکیت خدا بر همه چیز و مالکیت انسان بر خودش تقسیم می‌شود. قسم دیگر از مالکیت، مالکیت اعتباری است، یعنی مالکیت حقوقی که عقلاء برای اداره و تنظیم امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود وضع می‌کنند. پس ماهیت مالکیت در فقه عبارت است از: سلطه اختصاصی بر مال (پیلوار، ۱۳۹۱، ص ۶۸-۶۶) در حقوق ایران، تعاریف متعددی از مالکیت ارائه شده است، لیکن تعریفی که مورد نظر است، عبارت است از رابطه‌ای اعتباری که بین شخص و شی به وجود می‌آید و به موجب آن، شخص می‌تواند هر نوع تصرف در ملک خود انجام دهد و مانع تصرف دیگران شود (صفایی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸. اشرفی، ۱۳۸۶، ص ۳۰) و هرگونه تصرف مادی، مانند تغییر و اتلاف یا تصرف اعتباری مانند نقل و انتقال نسبت به ملک خویش را انجام دهد (امامی، ۱۳۸۳، ص ۱۵). به بیان دیگر، حدوث و بقای مالکیت، مانند هر امر اعتباری دیگر، به دست منش اعتبار آن است. شارع مقدس، در مورد مفهوم مالکیت و مصادیق آن بیان خاصی ندارد و تشخیص آن امر به عرف و عقلا واگذار شده است (امام خمینی ۱۴۱۵، ص ۴۵۴). در حقوق آمریکا، مالکیت عبارت است از قدرت و سلطه انحصاری فرد بر مال. براساس این تعریف، ویژگی اصلی مالکیت را اعطای حق کنترل اختصاصی بر یک مال می‌دانند (پیلوار، ۱۳۹۱، ص ۶۶).

^۱ عطارزاده، ص ۳.

۴-۵- رابطه مالکیت دولت و مؤسسات و شرکتهای دولتی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مالکیت از نظر علمای حقوق و فقها یک امر اعتباری است. رابطه مالکیت دولت (به معنای خاص قوه مجریه) به مؤسسه‌های دولتی و شرکتهای دولتی یک رابطه اعتباری براساس قانون است. دولت نمی‌تواند خارج از اساسنامه این مؤسسات و شرکتهای دولتی در آنها دخل و تصرف کند. به بیان دیگر رابطه مالکیت دولت به معنای اجازه تصرف مطلق و بدون ضابطه نیست.

۵-۵- مجوز انجام عملیات بانکی بین بانک مرکزی و بانکها و مؤسسات و شرکتهای دولتی

براساس ماده ۲۲ قانون بانکداری بدون ربا

"- بانکها می‌توانند، با اجازه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکتهای دولتی، به عملیات مجاز بانکی مبادرت نمایند." و در آیین‌نامه فصل ۵ قانون مربوط به بند مذکور آمده است:

ماده ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند منابع لازم برای بانکها را تأمین و یا مازاد منابع خود آنها را به شکل سپرده نزد خود قبول نماید. شرایط تأمین و یا قبول منابع و همچنین مدت و میزان سود و یا کارمزد آن توسط شورای پول و اعتبار به تصویب خواهد رسید.

ماده ۵- مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکتهای دولتی مکلفاند وجوهی را که در اختیار دارند، منحصراً نزد بانک مرکزی نگاهداری نمایند و کلیه عملیات بانکی خود را منحصراً نزد بانک مرکزی نگاهداری نمایند و کلیه عملیات بانکی خود را منحصراً توسط بانک مرکزی انجام دهند. مگر در مواردی که بانک مذکور به استناد ماده ۲۲ قانون با اجرای تمام یا قسمتی از عملیات موصوف توسط بانکهای دیگر موافقت نماید. در این صورت بانکها می‌توانند با رعایت مقررات با این قبیل مؤسسات و شرکتهای دولتی مبادرت به عملیات مجاز بانکی نمایند.

با توجه به مراتب فوق:

الف- در زمان تصویب قانون بانکداری بدون ربا، تمام بانکها دولتی بوده‌اند. بنابراین پذیرش انجام عملیات بانکی ایشان با مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و همچنین انجام عملیات بانکی بین بانک مرکزی و بانکها، به‌رغم وجود مالکیت مشترک دولتی از نظر فقهی بدون اشکال شناخته شده است.

ب- به‌جز وزارتخانه‌ها، سایر نهادهای دولتی مانند: مؤسسه‌های دولتی، مؤسسه یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند. کما اینکه بارها ملاحظه شده است که مؤسسات، شرکت‌های دولتی و بانک‌های دولتی نسبت به انعقاد قرارداد بین خود اقدام کرده‌اند و براساس آن تعهداتی را متقبل شده و انجام می‌دهند. بنابراین دیون ناشی از قراردادهای ایشان نیز واقعی خواهد بود.

ج- بانک مرکزی ج.ا.ا. نیز براساس قانون پولی و بانکی دارای شخصیت مستقل است. با توجه به اینکه بانک مرکزی هویت حقوقی جداگانه‌ای از دولت دارد، از این‌رو خرید و فروش اوراق خزانه اسلامی توسط بانک مرکزی قابل انجام است و خرید درون سیستمی محسوب نمی‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اول- اوراق بهادار اسلامی از بعد خرید و فروش دین واقعی با اوراق بهادار ربوی متفاوت است. قرارداد خرید و فروش بدهی (بیع دین) که مبنای انتشار اسناد خزانه اسلامی است از نظر فقهی و حقوقی مجاز و مورد تأیید است.

دوم- وزارتخانه‌ها دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت (به‌معنای خاص قوه مجریه) نبوده لذا دیون وزارتخانه‌ها بین خود نمی‌تواند مبنای اسناد خزانه اسلامی قرار گیرد. ولی مؤسسه‌های دولتی، مؤسسه‌ها یا نهاد عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی طبق قانون دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند. براین اساس بدهی

دولت به اشخاص حقوقی مستقل که براساس قرارداد ایجاد شده و دین واقعی است، می‌تواند مبنای انتشار اسناد خزانه اسلامی قرار گیرد. سوم- بانک مرکزی براساس قانون پولی و بانکی دارای شخصیت حقوقی مستقل است. در این زمینه بانک مرکزی با حضور در بازار اولیه و اعمال عملیات بازار باز در بازار ثانویه بر روی اسناد خزانه اسلامی می‌تواند نقش مؤثری را بازار پول ایفا کند و موجب کارایی این اوراق شود. شرط کارایی این ابزار وجود بازار مالی گسترده است.

کتابنامه

الف: فارسی

احمدی، محمدحسین: *شخص حقیقی و حقوقی (Legal and natural person)*،

پژوهشکده باقرالعلوم. <http://www.pajoohe.com>

تسخیری، محمدعلی: *مبانی شرعی اوراق بهادار اسلامی (صکوک)*، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۶.

تاری، فتح‌اله: *صکوک در نظام پولی و مالی ایران*، پژوهشکده پولی و بانکی زمستان ۱۳۹۱.

ثابت، عبدالحمید: *نگاهی به مباحث فقهی و اقتصادی تنزیل*، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره ۴.

خلیلی، محمدنادر: abkalane.persianblog.ir/

داودی، پرویز و حسین صمصامی: *اقتصاد پول و بانکداری*، دانشگاه شهید بهشتی ص ۲۷۵، ۱۳۸۸.

رضایی، مجید: *بررسی فقهی ابزارهای مالی مشتقه*، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۲.

شعبانی، احمد و وهاب قلیچ: *قابلیت اوراق بهادار اسلامی در مهار تورم به عنوان ابزار سیاستی (مطالعه موردی: اوراق مشارکت، اجاره، مرابحه و استصناع)*، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۰.

عباسی، بیژن: *حقوق اداری*، نشر دادگستر، ۱۳۸۹.

عربی، سیدهادی و محسن معارفی: *بررسی مسائل گذار به ابزار غیرمستقیم پولی در کشورهای اسلامی (بررسی فقهی و اقتصادی)*، دو فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی س ۷ ش ۱۳ بهار و تابستان ۱۳۸۹.

عطازاده، سعید و الهه پارسا: *بررسی ماهیت حقوقی مالکیت زمانی در حقوق آمریکا*، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، دوره ۲، شماره ۱، دانشگاه پیام نور، تابستان ۱۳۹۲.

قانون پولی و بانکی، مصوب ۱۳۵۱. www.cbi.ir

قضاوی، حسین و حسین بازمحمدی: *عملیات بازار باز در چارچوب بانکداری بدون ربا (مطالعه موردی: اسناد خزانه اسلامی)*، پژوهشکده پولی و بانکی ۱۳۹۰.

کاتوزیان، ناصر: *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۱، انتشارات به نشر، ۱۳۶۴.

کاتوزیان، ناصر: *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، چاپ ۲۲، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸.

موسویان، سیدعباس، محمدنقی نظریور و ایوب خزائی: *امکان سنجی فقهی طراحی اسناد خزانه اسلامی در بازارهای مالی اسلامی*، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۹.

موسویان، سیدعباس و مجید خادم‌الحسینی اردکانی: *مهندسی مالی اسناد خزانه اسلامی فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، بهار ۱۳۹۱.

موسوی، سیدباقر: *خرید و فروش دین (تنزیل)*، فصلنامه اقتصاد اسلامی سال دوم، ش ۷، پائیز ۱۳۸۱.

منصور، جهانگیر: *قانون مدنی*، نشر دیدار، ۱۳۸۸.

میشکین، فردریک: *پول، ارز و بانکداری*، ترجمه علی جهانخانی و علی پارسائیان انتشارات سمت ۱۳۹۰.

پیوست^۱

ط- دولت مجاز است اسناد خزانه اسلامی با حفظ قدرت خرید را با سررسید یک تا سه سال به صورت بی نام و یا بانام، صادر کند و به منظور تسویه بدهی مسجل خود بابت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مطابق ماده (۲۰) قانون محاسبات عمومی کشور به قیمت اسمی تا سقف سی هزار میلیارد ریال به طلبکاران غیردولتی واگذار نماید. اسناد مزبور از پرداخت هرگونه مالیات معاف بوده و به‌عنوان ابزار مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ محسوب شده و با امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می‌شود.

۱- دولت به منظور تأمین اعتبار اسناد مزبور در زمان سررسید، ردیف خاصی را در لایحه بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌نماید. در صورت عدم وجود یا تکافوی اعتبار مصوب در بودجه عمومی دولت، اسناد خزانه اسلامی در سررسید، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی از محل درآمد عمومی همان سال قابل تأمین و پرداخت است. این حکم تا زمان تسویه اسناد یاد شده به قوت خود باقی است.

۲- اسناد خزانه اسلامی از قابلیت داد و ستد در بازار ثانویه برخوردار است و سازمان بورس و اوراق بهادار باید ترتیبات انجام معامله ثانویه آن‌ها را در بازار بورس یا فرابورس فراهم کند.

۳- تعیین بانک‌های عامل برای توزیع و بازپرداخت اسناد خزانه اسلامی پس از سررسید توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی صورت می‌پذیرد.

۴- خرید و فروش این اوراق توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است.

^۱ تبصره ۶ قانون بودجه ۱۳۹۳ کل کشور

۵- آیین‌نامه اجرائی این بند ظرف سه ماه از زمان تصویب این قانون توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.